

در این شماره

شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب در
کنگره حزب کمونیست بریتانیا در ص ۳
«انتقال قدرت» بحثی درباره سمت و سوی
تحولات عراق در ص ۴ و ۵
درس هایی از اخلاق و کشور داری
پیام دوم فیدل کاسترو به بوش در ص ۸

اجرای برنامه های اقتصادی و یافتن مناسب ترین امکانات و روش ها با هدف تحکیم موقعیت

ادامه در صفحه ۲

آیا اوضاع اقتصادی امیدوار کننده است؟

با آغاز به کار مجلس هفتم، و بحث پُر حرارت پیرامون چگونگی اجرای برنامه های اقتصادی و با توجه به تلاش جدی نمایندگان سیاسی سرمایه داری تجاری که بر کرسی های مجلس نشانده شده اند، باید انتظار داشت، برخلاف تبلیغات دروغین رژیم ولایت فقیه، اوضاع اقتصادی کشور وخیم تر و زندگی کارگران، زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه با دشواری های ژرف تر روبرو گردد!

طی چند هفته گذشته، بحث درباره راه های



شماره ۶۹۰، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۶ تیرماه ۱۳۸۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت فرا رسیدن پنجمین سالگرد سرکوب خونین قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه

به یاد پیکار دلیرانه سرود خوانان راه آزادی



جبهه دوم خرداد و آغاز روند گسست نیروهای رادیکال و مردمی از مماشات گران و تسلیم طلبانی بود که در تحلیل نهایی هدفی جز بزرگ کردن سیمای ضد مردمی رژیم ولایت فقیه را دنبال نمی کردند.

مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم بر این اعتقاد بودند که با سرکوب وحشیانه دانشجویان مبارز، که در دانشگاه های کشور، در اعتراض به ادامه استبداد و لگد مال شدن حقوق انسانی و دموکراتیک مردم و مخالفت با اوج گیری مجدد اختناق و بسته شدن روزنامه ها به پا خاسته بودند، خواهند توانست جنبش دانشجویی کشور را به خاموشی، گوشه گیری و جدایی از جنبش عمومی خلق بر ضد استبداد وادار کنند. در جریان حمله مزدوران و گزرمگان

ادامه در صفحه ۶

پنج سال از تهاجم خشن، ضد انسانی و خونین مستبدان حاکم و مزدوران آنان بر ضد جنبش دانشجویی کشور می گذرد. پنج سال پیش دانشجویان مبارز ایران، در چارچوب حقوق انسانی و مدنی خود، در مقابل تعرضات فزاینده پاسداران جهل و تاریکی به حقوق اولیه انسانی، از جمله آزادی بیان و اندیشه، و خصوصاً در اعتراض به برنامه های رژیم برای خاموش کردن صداهای مطبوعاتی مخالف و منتقد، دست به اعتراض آرام و صلح جویانه زدند و بدین علت مورد تهاجم وحشیانه مزدوران مسلح و نیم مسلح ولی فقیه قرار گرفتند. اوج گیری سریع قیام جسورانه دانشجویان دانشگاه تهران و گسترش سریع آن به دیگر دانشگاه های کشور آنچنان هراس ارتجاع را برانگیخت که ولی فقیه رژیم بلافاصله با اشک تمساح ریختن از تهاجم وحشیانه مزدورانش به خوابگاه دانشجویان ابراز تأسف کرد و قول تنبیه عاملان و سازمان دهندگان این جنایت را داد. ولی این پرده فریب با اوج گیری بیشتر اعتراض ها و خطر گسترش آن به درون جامعه و به میان دیگر قشرهای اجتماعی فرو افتاد و جای قول های داده شده را عربده کشی های «منکوب و سرکوب کنید» گرفت. قیام ۱۸ تیرماه جوانه زود رسی بود که بدون آنکه فرصت یابد در کنار جنبش مردمی به بدنه بی تنومند تبدیل گردد مورد تهاجم وسیع ارتجاع قرار گرفت و ضربات سهمگین و تلفات سنگینی را متحمل شد. سکوت «اصلاح طلبان» حکومتی و خصوصاً شخص خاتمی که زیر فشار رهبری رژیم تسلیم گردید و در مقابل سرکوب خشن و خونین جنبش دانشجویی سکوت را پیشه کرد، نقطه عطفی در پدید آمدن لایه بندی های جدید در صفوف

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه آیا اوضاع اقتصادی امیدوار کننده ...

ارتجاع در کشور، با شدت هر چه تمامتر جریان داشت. در این گیرودار یک هیات بلند پایه از کارشناسان صندوق بین المللی پول نیز به ایران سفر کرده، با مقامات رژیم از جمله برخی از وزیران و اعضای هیات رئیسه مجلس هفتم، دیدار و گفتگو نمودند.

صنعدر حسینی وزیر اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی در ملاقات با این هیات کارشناسی از جانب مجموعه حاکمیت بر ادامه روند اصلاحات ساختار اقتصادی با هدف جلب و جذب سرمایه خارجی و خصوصی سازی گسترده تاکید کرده و یادآور شد: دولت تحت هر شرایطی سیاستهای معطوف به اصلاحات در عرصه اقتصادی را ادامه خواهد داد. وی اوضاع اقتصادی ایران را مثبت و بسیار امیدوار کننده خوانده و با اشاره به سیاست خصوصی سازی گفت: دولت تلاش می کند تا در چند ماه آینده بستر قانونی لازم را برای خصوصی سازی صنایع بزرگ فراهم کند. پیش از این، رییس کل بانک مرکزی در جریان چهارمین کنفرانس سالانه سیاستهای پولی و ارزی همچون وزیر اقتصاد با امیدوار کننده خواندن اوضاع خاطر نشان ساخته بود: ایران در مرحله خیزش اقتصادی قرار دارد و با توجه به روند موجود، طی یک دهه آینده به کشورهای در حال توسعه نزدیک می شود.

تبلغاتی از این دست، در ماههای اخیر به فراوانی از سوی مقامات ریزو درشت رژیم ولایت فقیه سازمان داده شده است؛ اینان برای ایجاد فضایی مناسب، چنین مطالبی را که با واقعیت های جامعه امروز ایران به هیچ رو مطابقت ندارد، عنوان می سازند. وارونه جلوه دادن حقیقت با ثمربخش خواندن سیاست خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه، در سطحی گسترده در رسانه های رژیم جریان دارد. هم اکنون در تبلیغات رژیم، برای دست یابی به نرخ رشدی بالا از فواید خصوصی سازی صنایع بزرگ سخن به میان آمده است، که شامل صنایع کلیدی نظیر صنعت نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، راه آهن، برق و آب و معادن را در بر می گیرد.

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام چندی پیش در همین خصوص اعلام داشت، به دستور علی خامنه ای اصل ۴۴ قانون اساسی در این مجمع برای بازنگری و در راستای اهداف سیاست خصوصی سازی در حال بررسی است. پیش از آنکه اصل ۴۴ در مجمع تشخیص مصلحت به ریاست رفسنجانی به بررسی گذاشته شود، جهانگیری وزیر صنایع و معادن در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا در شهر مشهد با صراحت گفته بود: امیدوارم مشکل واگذاری صنایع بزرگ به بخش خصوصی رفع شود. در رابطه با خصوصی سازی واحدهای بزرگ شبهه قانون اساسی وجود دارد، به صورت نسبی که نگاه کردیم دیدیم فولاد مبارکه، مس سرچشمه و ذوب آهن صنایع بزرگ اند و برای واگذاری آنها مشکل پیدا کرده ایم. وی با اشاره به آمار خصوصی سازی در وزارت صنایع و معادن تاکید نمود: ۸۰ درصد از کل خصوصی سازی کشور در سال ۸۱ و ۸۲ (خورشیدی) در واحدهای وابسته به این وزارت صورت گرفته است. در حال حاضر با توجه به دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برنامه اصلاحات اقتصادی دامنه وسیع یافته و شعار کنونی که هر دو جناح بر سر آن توافق دارند رسیدن به اقتصاد متکی به بخش خصوصی است. در این رابطه سخنان مدیر عامل سازمان خصوصی سازی گویا و جالب است. وی در مصاحبه با ایسنا در

تاریخ ۱۰ تیر ماه سال جاری خورشیدی خاطر نشان کرد: بحث خصوصی سازی در ایران هر روز جدی تر می شود. ما به زودی سهام با قابلیت نقد شوندگی و حجم زیاد عرضه میکنیم و در انتظار هستیم که لایحه تشکیل بازار سرمایه بزودی در هیات دولت تصویب گردد. از سال ۱۳۸۱ تا ابتدای سال ۱۳۸۳، سازمان خصوصی سازی حدود ۲۱ هزار میلیارد ریال سهم عرضه کرده است. در تمام بدنه دولت و ارگان ها در مجلس و غیره وحدت نظر و وفاق در راستای برنامه خصوصی سازی وجود دارد و فقط بر سر اصل ۴۴ بحثهایی جریان دارد و به وفاق نرسیده ایم.

در کنار خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه باید به اصلاح سیستم بانکی ایجاد بانک های خصوصی، بیمه خصوصی و گسترش بازار بورس اشاره نمود. تلاش برای گسترش بازار بورس و عرضه سهام شرکتها در آن وارد مرحله نوینی شده است. گشایش درهای بورس تهران به روی انحصارات فراملی و شرکتها و سرمایه گذاران خارجی بخش دیگری از مجموعه اقداماتی است که با شدت دنبال می شود.

حال باید دید این سیاستها تاکنون چه نتایجی به بار آورده است؟! و چرا چنین با شدت وحدت پیگیری می شود!؟

در اوایل تیرماه امسال معاون وزیر بازرگانی در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، با اشاره به گرانی سرسام آور کالاها و خدمات و شرایط دردناک معیشتی توده های وسیع مردم اعتراف کرد؛ ۴۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در اقتصاد کشور وجود دارد، تداوم رشد نقدینگی از جمله دلایل افزایش قیمتها و صعود نرخ تورم است. او همچنین یادآور گردید، انجام اصلاحات ساختاری در برخی از کالاها مثل فولاد و سیمان ... موجب گرانی شده است.

خبرگزاری مهر طی گزارشی مطرح ساخت که فقط در ۳ ماهه سوم سال ۸۲ خورشیدی نسبت به پایان سال ۸۱ حجم نقدینگی ۵/۱۶ درصد رشد کرد. علاوه بر گرانی و تورم، رشد پدیده دلالی یا به بیان دقیق تر اقتصاد غیر مولد یعنی اقتصاد دلالی از دیگر ویژگی های ناشی از اجرای برنامه های اصلاح ساختار اقتصادی است. چندی پیش رئیس شورای عالی جامعه حسابداران ایران در یک مصاحبه اعلام داشت: تنها ۴۰ درصد از درآمدهای حاصل از فروش نفت، صرف هزینه های مولد شده است. وی اضافه کرد: رشد اقتصادی ایران عمدتاً وابسته به افزایش درآمدهای نفتی بوده و به همین دلیل کشور به رشد پایداری در این خصوص نرسیده است؛ تنها ۴۰ درصد از ۶۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی کشور طی ۲۴ سال گذشته صرف هزینه های مولد شده است.

روزنامه شرق دریگ مطلب که به تاریخ ۹ تیرماه منتشر ساخت، با اشاره به رشد بخش خدمات و فعالیتهای غیر مولد در مقایسه با بخش صنعت و تولید از جمله نوشت: در سال گذشته میانگین نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت به درآمد ناخالص ملی کشور از میانگین کشورهای کم درآمد هم پایین تر بوده است. شکاف پس انداز و سرمایه گذاری در کشور نسبت به تولید ناخالص ملی حدود ۱۵ درصد است، آمار موجود حاکی از آن است که، تشکیل سرمایه در بخش صنعت کماکان با ریسک فراوان همراه است.

بنابراین روشن است که، ایران در حال حاضر با عدم تشکیل میزان سرمایه مناسب و کافی در بخش صنعت به عنوان محور فرآیند رشد و پیشرفت اقتصادی رو به رو می باشد. آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران نشان می دهد، طی چندین سال اخیر، بویژه از دوران اجرای فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در کشور به وسیله دولت رفسنجانی و ادامه آن توسط دولت خاتمی بخش خدمات بیش از ۶۰

ادامه آیا اوضاع اقتصادی ...

درصد تشکیل سرمایه در کشور را به خود اختصاص داده است؛ درحالیکه بخش صنعت تنها ۲۴ درصد در تشکیل سرمایه نقش داشته است.

پایامد این اقتصاد غیر مولد، شکاف طبقاتی ژرف می باشد که مشتی سرمایه دار نوکیسه باروابط دلالی ثروتمند شده و اکثریت عظیم جامعه در فقر و فلاکت بسر می برنند. در اوایل سال جاری خورشیدی معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد، یک سوم جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می کنند؛ وی با اشاره به نتایج پژوهش های انجام گرفته توسط دوایر مختلف دولتی گفت: مطابق این پژوهش و بررسی ها، حداقل ۳ میلیون نفر از کل جمعیت در فقر مطلق زندگی می کنند، ۱۷ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق هستند و اگر ۱۱ میلیون افراد کم درآمد را به آنها اضافه کنیم در مجموع یک سوم جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند. همه آنچه مورد اشاره قرار گرفت، به روشنی ثابت می کند، وضعیت اقتصادی کشور نه تنها امیدوار کننده نیست، بلکه سخت نگران کننده است. اکنون ارتجاع که بر کرسی های مجلس بر خلاف اراده مردم تکیه زده و آن را اشغال نموده است، با عوام فریبی می کوشد خود را هوادار عدالت اجتماعی، مساوات و بهبود وضعیت معیشتی مردم نشان دهد. درحالیکه اینان درنده ترین دشمنان مردم و عدالت اجتماعی هستند. نظریه های پوچ و ضد علمی چون الگوی بازار دولت، اقتصاد بازار مردمی و امثالهم صرفاً پوششی برای غارتگری بیشتر است. نباید فراموش کرد، عناصری چون توکلی، باهنر، مرتضی نبوی، حداد عادل و دیگران نمایندگان سیاسی سیاه ترین لایه های سرمایه داری ایران هستند و رواج اقتصاد دلالی به میزان قابل توجهی ثمره سیاستها و برنامه های آنهاست. اصولاً وظیفه این چهره ها حفاظت از منافع طبقاتی کلان سرمایه داران به ویژه سرمایه داری تجاری است؛ مگر حداد عادل به صراحت خود و همفکرانش را فرزندان بازار معرفی نکرد؟! به علاوه باهنر و مرتضی نبوی اصلی ترین اعضای کمیسیون تلفیق مجلس دوره پنجم بودند که نقش انکار ناپذیر در تهیه و تدوین برنامه سوم توسعه داشتند. در واقع برنامه سوم و پیامدهای فاجعه بار آن دستاورد این عناصر و رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه یعنی نجفی از باند کارگزاران وابسته به رفسنجانی قلمداد می شود. شرایط موجود، نشانگر ژرفش بحران اقتصادی و در نتیجه فقر و فلاکت باز هم بیشتر مردم است. در سایه حضور همه جانبه ارتجاع در مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و ... باید در انتظار وخیم تر شدن اوضاع بود!

شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در کنگره حزب کمونیست بریتانیا

به دعوت رهبری حزب کمونیست بریتانیا هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزبمان در چهل و هشتمین کنگره حزب برادر که در روزهای ۹ الی ۱۱ خردادماه در لندن برگزار شد، حضور پیدا کرد. هیئت های نمایندگی احزاب برادر از کشورهای عراق، ایالات متحده، ایرلند، قبرس و هندوستان نیز در کنگره حزب کمونیست بریتانیا شرکت داشتند. حضور رفیق «سام وب»، صدر شورای ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، جلوه خاصی به جایگاه هیئت های نمایندگی مهمان کنگره داده بود.

بحث های کنگره با سخنرانی مفصل و کلیدی رفیق «راب گریفیث»، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، حول محور مشخصه های جامعه انگلستان، دولت ضد کارگری تونی بلر، جنگ امپریالیستی و وظایف کمونیست ها و جنبش سندیکایی آغاز شد. او در مورد ضرورت وحدت جنبش نیرومند کارگری انگلستان تحت شعار بیرون راندن تونی بلر و همدستانش از رهبری حزب کارگر و احیاء اهداف تاریخی آن در خدمت به منافع زحمتکشان تاکید نمود. رفیق گریفیث با توجه دادن کنگره به احیاء یک گرایش قدرتمند چپ در اتحادیه های کارگری در سال های اخیر، به اهمیت برنامه ریزی دقیق و تکیه به نیروی بالقوه زحمتکشان و طبقه کارگر اشاره کرد. او گفت که طبقه حاکمه انگلیس بیش از هر کشور دیگر جهان به غیر از آمریکا، در کشورهای دیگر کاپیتالیستی پیشرفته سرمایه دارد. ۹۰ درصد این ثروت از استعمار کارگران حاصل شده است. او گفت که یک دولت مترقی می تواند «سرمایه انحصاری را مجبور کند که در صنعت و خدمات در کشور سرمایه گذاری کند و به موازات آن از طریق یک برنامه کمک، تجارت عادلانه و سرمایه گذاری مولد به کشورهای جهان سوم یاری کند. محور عمده بحث های کنگره ۴۸ حزب برادر در رابطه با چگونگی حفظ وحدت قدرتمند جنبش ضد جنگ در بریتانیا، ایجاد جبهه قدرتمندی از نیروهای مترقی و اتحادیه های کارگری برای پائین کشیدن تونی بلر و همدستانش از رهبری حزب کارگر و تعویض نخست وزیر کشور بود. کنگره دو سند برنامه یی «وحدت برای یک برنامه ملی و چپ برضد دولت، خصوصی سازی و جنگ» و «برای انترناسیونالیسم و برضد امپریالیسم و جنگ» و قطعنامه هایی را در رابطه با شرایط تشکیلاتی و سازماندهی حزب مورد بحث، تدقیق و تصمیم گیری قرار داد. سند مربوط به مخالفت با جنگ امپریالیستی در عراق متذکر شد: «جنگ غیرقانونی برضد عراق چهره تجاوزگر امپریالیسم آمریکا، امپریالیسمی که مصمم به تسلط استعمارگرانه و کنترل مستقیم منابع اولیه جهان است، را کاملاً آشکار کرد. جنگ همچنین بطور مشابه نقش ننگین و خجالت آور دولت انگلیس و طبقه حاکمه را در حمایت از امپریالیسم آمریکا افشاء کرد. به موازات آن، جنگ همچنین نیروی جنبش های صلح در سراسر جهان را برای تاثیر گذاردن بر دولت ها و افکار عمومی نشان داد. در طول سال گذشته نظر گاه توده ها بطور مشخصی تغییر یافته است.» در سند دیگر مورد بحث در کنگره مشخصه های محوری «کارگر نوین» (جنح مسلط حزب کارگر انگلستان در ۱۰ سال اخیر که در حال حاضر قدرت دولتی را در دست دارد) حمایت از انحصارات، طرفداری از امپریالیسم و ضدیت با منافع طبقه کارگر تعریف گردید. سند کنگره این مشخصه ها را «همزمان و همزاد با ظهور فاز جدید امپریالیسم دانست.»

در روز دوم کنگره نمایندگان حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست ایرلند و حزب توده ایران در کنگره سخنرانی کردند. سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزبمان که در طول آن سابقه تاریخی رابطه دو حزب برادر، تحلیل حزب توده ایران از تحولات دوره حاضر در جهان و به ویژه در رابطه با جنگ و اشغال عراق، و اوضاع پیچیده کشورمان و مبارزه توده ها برای دموکراسی و حقوق بشر مورد استقبال نمایندگان کنگره قرار گرفت.

«انتقال قدرت» و بحثی درباره سمت و سوی تحولات در عراق

انتقال رسمی قدرت به دولت موقت عراق در روز ۸ تیرماه و خاتمه عملکرد مستقیم «حاکمیت موقت ائتلافی» نیروهای اشغال‌گر عراق که بر پایه قطعنامه ۱۵۴۶ شورای امنیت سازمان ملل انجام پذیرفت، به لحاظ اهمیتی که از نظر روند تحولات آینده این کشور همسایه، و به تبع آن منطقه خاورمیانه، دارد، باید مسئولانه بررسی و تحلیل گردد. در هفته گذشته به موازات تحلیل گرانی که اصرار می‌ورزند که عملاً در دوره پس از ۸ تیرماه و این رخداد مهم هیچ تغییری در شرایط اشغال و معادله قدرت در عراق صورت نگرفته، بودند کسانی که از هم اکنون اشغال را پایان یافته و تدارک جشن اعاده استقلال عراق را در مراحل پایانی خود ارزیابی می‌کردند. واقعیت این است که هر دوی این موضع‌گیری به دلیل پایه نداشتن در واقعیات مبارزه جاری در عراق و در نظر نگرفتن نقش با اهمیت و فعال توده‌ها و نیروهای سیاسی عراق از یکسو و ارزیابی عینی از امکانات و محدودیت‌های امپریالیسم از سوی دیگر، از ضعف‌های جدی برخوردارند.

نگرش به تحولات عراق در ابتدای قرن ۲۱ میلادی را نمی‌توان از دریچه بینش سال‌های بین دو جنگ جهانی که استعمارگران به دلخواه خود نقشه‌های جغرافیای سیاسی منطقه را ترسیم می‌کردند و یا دید سال‌های ۷۰ میلادی و اوج مبارزات ضد استعماری انجام داد. تحولات مهم سیاسی دو دهه گذشته و تغییرات پایه‌یی که در تناسب قوای بین‌المللی پدید آمده است، مهر خود را بر تحولات خاورمیانه بر جای گذاشته است. رشد مبارزات خلاق و وسیع ده‌ها میلیونی در سراسر جهان بر ضد امپریالیسم و طرح‌ها و توطئه‌های آن ضرورت توجه همه‌جانبه به برخی عوامل تعیین‌کننده در مبارزات کنونی توده‌ها در کشورهای مختلف و از جمله باور به نیروی توده‌ها و نمایندگان سیاسی آنان را مطرح می‌کند. در حالی که نمی‌توان قدرت ویرانگر امپریالیسم را در تحلیل تحولات در نظر نگرفت، نمی‌توان به پویایی تفکر و امکانات خلق‌ها و نیروهای سیاسی واقعی و پیشروی آنان حتی در شرایطی مانند عراق اتکاء نکرد.

نگاهی به قطعنامه ۱۵۴۶

تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با «انتقال قدرت» به دولت موقت عراق، در روز ۱۹ خردادماه که یک هفته پس از توافق نیروهای سیاسی عمده عراق و نیروهای اشغالگر بر سر ترکیب پیشنهادی نماینده سازمان ملل انجام پذیرفت، را باید شروع مرحله جدیدی در تحولات عراق در دوره پس از اشغال دید. پیش نویس این قطعنامه هفته‌ها مورد بحث کشورهای اصلی عضو شورای امنیت سازمان ملل و همچنین احزاب سیاسی عمده عراق قرار داشت. هیئت نمایندگی دولت موقت عراق به رهبری وزیر خارجه آن آقای هوشیار زیباری، از رهبران سرشناس حزب دموکرات کردستان عراق، در جریان بحث‌های شورای امنیت حضور فعال داشت. در جریان بحث‌های نهایی چهاراصلاحیه کلیدی به طرح پیش‌نویس

پیشنهادی آمریکا-انگستان اضافه شد و مورد توافق قرار گرفت. قطعنامه با قبول اصل «اعاده حاکمیت کامل عراق» همچنین نقش کلیدی و مسلط سازمان ملل در روند پایه‌گذاری یک دولت جدید عراقی تصریح می‌کند و با تعیین تاریخ مشخص برای پایان روند سیاسی، تشکیل پارلمان و انتخابات دموکراتیک، یک جدول زمانی مشخص برای خروج نهایی نیروهای اشغالگر قایل می‌شود. گرچه نیروهای ترقی‌خواه جهان به ترکیب شورای امنیت واقف هستند و تأثیرات منفی و مخرب کوشش‌های آمریکا به کنترل این نهاد بین‌المللی را مورد انتقاد صریح و اصولی قرار می‌دهند، نمی‌توان از کنار این بندهای قطعنامه به سادگی گذشت چرا که برخی از آن‌ها به وضوح پاسخی به خواست نیروهای سیاسی عراق و جامعه بین‌المللی در چهارچوب راه‌گشایی در جهت خاتمه اشغال و کمک به بازسازی عراق و ایجاد یک دولت جدید بر پایه خواست مردم این کشور است. بر خلاف دو قطعنامه قبلی شورای امنیت، قطعنامه‌های ۱۴۸۳ و ۱۵۱۱، مصوبه حاضر نقشی اساسی برای سازمان ملل در روند سیاسی ضرور در عراق قایل است. بدیهی است که ما نمی‌توانیم چشم بر جنبه‌های منفی و نگران‌کننده این قطعنامه بیندیم. اما مسأله مهم درک دقیق این دوگانگی عینی در قطعنامه و اتخاذ موضع مناسب برای کمک به جاری شدن و تقویت عناصر مثبت و عقیم نمودن بندهایی است که در تضاد با منافع مردم عراق و مصالح منطقه قرار دارد. این حقیقتی است که نیروهای انگلیسی و آمریکایی که بانیان فاجعه‌سالیان اخیر عراق و خونریزی و تخریب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این کشور هستند، کوشش دارند که با تغییر نام و پوشش صوری در قالب «نیروهای چندملیتی» به اشغال ادامه دهند. بنا بر مفاد قطعنامه این نیروی چندملیتی «باید اختیار اتخاذ تصمیم در مورد اقدامات ضرور برای کمک به حفظ امنیت و ثبات عراق» را داشته باشد و عدم تضمین حق و توبه برای دولت موقت عراق در این رابطه، عملاً ناقض وظیفه اساسی این مصوبه در فراهم کردن عناصر ضرور برای انتقال حاکمیت سیاسی به مردم عراق است.

نیروهای ترقی‌خواه همچنین نمی‌توانند نگرانی خود را از ترکیب دولت موقت که محصول شرایط مشخص اشغال و حضور اشغالگران است، پنهان نمایند. شرط اولیه برای تصحیح چنین معضلی خاتمه غیرمشرط اشغال است و مبارزه نیروهای سیاسی مردمی عراق و به ویژه حزب کمونیست عراق در راستای تحقق شرایط عینی و ذهنی چنین امر مهمی است.

مردم عراق در مقابله با اشغال و تروریسم

با وجود برداشته شدن قدمی اولیه در تحویل قدرت به دولت موقت عراق در روز ۸ تیرماه، دشواری‌ها، تراژدی حاصل از عملکرد توأم و موازی ترور و اشغال و مصیبت‌های اقتصادی مردم عراق ادامه پیدا خواهد کرد. عواقب تجاوز نظامی و اشغال توسط امپریالیسم و کارزار ترور یکساله اخیر توسط دنباله‌های رژیم صدام حسین و نیروهای تروریستی تاریک اندیش عراقی و خارجی وضعیت اجتماعی-سیاسی حادی را بر کشور مستولی کرده، که خروج از آن مستلزم زمان و انرژی ویژه و ایجاد فضایی مناسب برای شرکت مستقیم و فعال توده‌ها در تحولات می‌باشد.

واقعیتی جدی است که توده‌های زحمتکش عراق مخالف ادامه اشغال هستند. بر طبق نظرسنجی‌های مستقل فقط ۱٪ مردم قبول دارند که هدف از حمله نظامی و اشغال عراق تأمین دموکراسی بوده است و فقط ۵٪ مردم قبول دارند که هدف کمک به مردم عراق بوده است.

ادامه انتقال قدرت ...

، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جریان است. این واقعیت را که امروز یکسال و سه ماه پس از اشغال نظامی عراق، کشورهای امپریالیستی به تحویل قدرت، قبول روند سیاسی برای اعاده کامل حاکمیت و نقش سازمان ملل گردن می گذارند، را باید متأثر از مبارزه خستگی ناپذیر و چند سویه نیروهای ترقی خواه عراق در درون و بیرون کشور و در پیوند با جنبش مردمی و ضد جنگ در سراسر جهان دید.

تقویت جنبش ضد جنگ و همبستگی با مردم عراق

درست است که با انتقال قدرت در روز ۸ تیرماه حق حاکمیت کامل اعاده نشده است و قدرت واقعی به مقامات عراقی تحویل داده نشده و اشغال پایان نیافته است. اما این قدم اولین فرصت ها را برای مردم عراق و حامیان آن ها در جهان فراهم می کند که مبارزه بین المللی خود برای حصول این اهداف تشدید کنند.

ما با این درک نیروهای مترقی و دموکرات عراق و منطقه و بویژه حزب کمونیست عراق همراه هستیم که اشغال فقط هنگامی پایان می پذیرد که نیروهای اشغالگر از خاک عراق بیرون رفته باشند، که حاکمیت فقط وقتی کاملاً اعاده می شود که کنترل تصمیم گیری های عمده اقتصادی در دست مردم عراق قرار بگیرد، و اینکه قدرت فقط هنگامی در کف مردم عراق است که یک دولت جدید بطور دموکراتیک انتخاب بشود. در شرایط دشوار و بغرنج کنونی مردم عراق به حمایت و همبستگی همه نیروهای ترقی خواه، اتحادیه های کارگری و نهاد های اجتماعی برای خاتمه دادن به اشغال، برای اعاده حاکمیت و انتقال کامل و بی برگشت قدرت به مردم و نمایندگان سیاسی و دموکراتیک آن ها نیاز دارند.

ادامه شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی ...

نماینده حزب مان استراتژی کلیدی ایالات متحده در رابطه با جنگ و اشغال عراق را «کنترل منطقه خاورمیانه که منابع عظیم نفتی و منابع انرژی را دربر دارد»، ارزیابی نمود. او در ادامه سخنان خود اشاره کرد «مبارزه برای دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران به مرحله حساسی رسیده» و بی پایه بودن باورهای او را که در سال های اخیر امکان دستیابی به دموکراسی و جامعه مدنی را در شرایط ادامه رژیم دیکتاتوری مذهبی مطرح می کرد، به اثبات رساند. نماینده حزب توده ایران در پایان سخنرانی خود مصمم بودن حزب مان را به ادامه هدفمند مبارزه برای ایجاد یک جبهه ضد دیکتاتوری همه نیروهای دموکراتیک و ملی را اعلام نمود. بخش هایی از این سخنرانی در روز ۱۱ خردادماه در روزنامه انگلیسی زبان «مورنینگ استار» منتشر شد.

هیئت نمایندگی حزبمان در طول کنگره تبادل نظرهای مهم و سودمندی را با رهبری حزب کمونیست بریتانیا و نمایندگان احزاب برادر حاضر در کنگره و همچنین با رفیق آندرو موری، صدر جنبش قدرتمند ضد جنگ انگلستان، و همچنین رفیق کیت هادسون، دبیر کل جنبش صلح و ضد سلاح های هسته ای، به انجام رساند.

یک نظر سنجی اخیر که در ماه گذشته توسط نیروهای اشغال گر انجام شد نشان داد که ۹۰ درصد مردم عراق به نیروهای اشغالگر اعتماد ندارند و ۷۰ درصد خواهان آنند که دولت موقت خواستار خروج آن ها بشود. عفو بین المللی در اولین سالگرد اشغال گزارش داد: «ده ها نفر از مردم عادی و غیر مسلح جریان تظاهرات عمومی، در پست های بازرسی و در هجوم به منازل مسکونی برای بازرسی توسط نیروهای اشغالگر در اثر استفاده افراط گرایانه و یا غیر ضروری از تجهیزات مهلک به قتل رسیده اند.» افساء شکنجه زندانیان عراقی که با اطلاع و موافقت عالی ترین رده های تصمیم گیری در دولت آمریکا انجام گرفته ماهیت اشغال و اشغالگران را به روشنی نشان داده است. مردم عراق به درستی بر این امر واقف هستند که هدف عمده ایالات متحده و متحدان اروپایی آن از اشغال این کشور، گسترش و تعمیق کنترل بر منابع سرشار نفتی این کشور و منطقه خلیج فارس، که عمده ترین منابع نفتی جهان را در خود دارد، است. کوشش پل برمر، حاکم آمریکایی عراق تا ۸ تیرماه، برای اعطای امتیاز ها و انعقاد موافقتنامه های عمده اقتصادی چندین میلیارد دلاری در عراق، و افساء چپاول بیش از ۲۰ میلیارد از درآمد نفتی عراق و ذخیره های این کشور در سال گذشته روشنگر هدف محوری اشغال است. مساله اساسی اینست که چگونه و با چه شعار و برای چه اهدافی باید با این استراتژی ضد مردمی مبارزه کرد؟ و چه نیروهایی توان شرکت در چنین مبارزه ای را دارند. آیا تروریسم نیروهای امنیتی رژیم سابق و یا وابستگان نیروهای ارتجاعی منطقه در جهت مقابله با اشغال و مبارزه با امپریالیسم است؟ پاسخ ما به این سؤال کلیدی منفی است. مطبوعات غربی سعی دارند که این حملات را به عنوان اقدامات توده ای «جبهه مقاومت» در مقابل نیروهای اشغالگر، جلوه بدهند. باید توجه کنیم که بخش اساسی از قربانیان این اعمال عمدتاً مردم عادی در کوچه و خیابان و بازار های عراق می باشند، که خود قربانیان سیاست های اشغالگران می باشند.

ما و مبارزه توده ها

کمونیست ها که مبارزه را به عنوان یک امر آگاهانه توده ها و سرمایه گذاری بر حرکت آگاهانه آنان تعریف می کنند، نمی توانند با تروریسم خونریزی که هر روزه ده ها زحمتکش عراقی را به هلاکت می رساند، فصل مشترکی داشته باشند. واقعیت اینست که مبارزه انقلابی و تحول گرانه در ابتدای هزاره سوم بسیار پیچیده و دشوارتر از دهه های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ قرن گذشته میلادی است. در چنین دوره ای باید از شعار های بی محتوا و «آتشین» که پایه در ارزیابی عینی از تناسب قوا و درجه آمادگی توده ها ندارد، پرهیز کرد. ضروری است که بر پایه برخوردی واقع گرا در قبال تحولات موضع گیری هایی را اتخاذ کرد که مطمئناً مهر شرایط مشخص دوره تاریخی کنونی را بر خود دارد. فقط چنین مبارزاتی می تواند بر گردش سریع و پیچیده تاریخ مهر خود را بزند و خود را به مثابه سازندگان تاریخ، عرضه کنند. ما از این منظر است که کلیدی ترین مواضع حزب کمونیست عراق و نیروهای ترقی خواه این کشور در قبال تحولات در برهه کنونی و از جمله روند سیاسی موجود برای نفی اشغال را اصولی ارزیابی می کنیم. کمونیست های عراقی مجبورند که در شرایطی بسیار دشوار و پیچیده اشغالگری قوای نظامی بیگانه و ترور ارتجاع داخلی مبارزه توده ها را سازماندهی و هدایت کنند. مبارزه کمونیست های عراقی در مرکز طیف وسیع نیروهای سیاسی مطرح در این کشور و متحد با آنان، و از جمله همه نیروهای مترقی و ملی، و با شعار مشخص استقلال

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

«ولی فقیه» به دانشگاه های کشور هزاران دانشجوی مبارز اسیر و شمار زیادی مضروب و زخمی شدند. دانشگاه ها بار دیگر به اشغال نظامیان رژیم درآمد و سخنگویان ارتجاع با هم ردیف خواندن دانشجویان با «اراذل و اوباش» تلاش کردند تا بر جنایات خود سرپوش گذارند. البته هجوم مسلحانه به دانشگاه های کشور پدیده یی تازه در تاریخ پر غرور و سراسر پیکار جنبش دانشجویی نیست. رژیم مزدور و دیکتاتوری پهلوی نیز در ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲ فرمان حمله به دانشگاه های کشور را صادر کرد و با به شهادت رساندن دانشجویان دلاور توده یی و مصدقی، مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی سنت سرکوبگرانه یی را پایه گذاری کرد که تا به امروز ادامه یافته است.

بررسی واقع بینانه حوادث پنج سال گذشته نشانگر آنست که این یورش خونین و همچنین حرکت های سرکوبگرانه مداوم و توطئه های گوناگون دستگاه های امنیتی رژیم بر ضد جنبش دانشجویی کشور، مبارزه این قشر رزمنده میهن ما را با دشواری ها و بغرنجی های بسیاری روبه رو کرد و توانست در مجموع موجب افت مبارزات و فعالیت های این جنبش شود. ولی بر خلاف تصورات مرتجعان حاکم درباره خاموش شدن کامل صدای حق طلبانه جنبش دانشجویی، دانشجویان مبارز در طول پنج سال گذشته، با وجود همه دشواری ها، به پیکار خود بر ضد استبداد و راه گشایی به سمت اصلاحات بنیادین، دموکراتیک و پایدار ادامه داده اند.

جنبش دانشجویی کشور در شرایطی به استقبال بزرگداشت سالگرد ۱۸ تیرماه می رود که میهن ما در وضعیت جدیدی قرار گرفته است. با پاکسازی وسیع مجلس از اصلاح طلبان حکومتی و تشکیل مجلس «ذوب شدگان در ولایت» و گوش به فرمان ارتجاع و همچنین سقوط آهسته آهسته ولی قطعی دولت خاتمی که دیگر از هیچ گونه امکان جدی برای پیش برد برنامه هایش بهره مند نیست، در مجموع وضعیت بسیار دشواری را برای ادامه مبارزه و چیره شدن بر عقب گردهای موقتی جنبش فراهم آورده است. واقعیت این است که بی عملی، مماشات و تسلیم طلبی بخش وسیعی از رهبری جبهه دوم خرداد در مقابل تعرضات روز افزون دستگاه های سرکوب و ترور ارتجاع، جنبش مدافع اصلاحات را در بن بست دشواری قرار داد. در کنار این عامل باید همچنین اشاره کرد که مرتجعان حاکم با سوء استفاده از وضعیت جهانی و تحولات منطقه توانستند زمینه مناسب تری را برای توجیه سیاست سرکوبگرانه خود پیدا کنند و تعرض گسترده را برای یکسره کردن روند اصلاحات و نیروهای مدافع آن تشدید کنند. دخالت های مخرب خارجی، خصوصاً دولت دست راستی بوش، که تنها به دنبال تأمین منافع کوتاه و بلند مدت امپریالیسم در منطقه خلیج فارس و تحمیل آن به خلق های منطقه است، در مجموع یاری دهنده سیاست های سرکوبگرانه یی است که امروز از سوی رژیم ولایت فقیه بر ضد جنبش مردمی و به ویژه بر ضد جنبش دانشجویی کشور به کار گرفته می شود.

در شرایطی که ارتجاع خود را آماده مرحله بعدی تهاجمش، یعنی قبضه کردن نهاد ریاست جمهوری و یکدست کردن کامل حاکمیت می کند، میهن ما بیش از هر زمان دیگری محتاج تحقق اتحاد وسیع نیروهای ملی، آزادی خواه، و پیشرو برای مقابله با توطئه های ارتجاع داخلی و دخالت گران خارجی است. شکستن بن بست

کنونی جامعه، یعنی ادامه حکومت رژیم ولایت فقیه، و دست یابی به حقوق و آزادی های دموکراتیک و حرکت به سمت تحقق عدالت اجتماعی تنها با سازمان یابی آگاهانه وسیع ترین نیروهای اجتماعی ممکن است. تجربه دردناک سرکوب خونین ۱۸ تیرماه نشان داد که جنبش دانشجویی کشور بدون حمایت دیگر نیروهای اجتماعی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان و جنبش زنان، به تنهایی قادر نیست در مصاف با ارتجاع حاکم به خواست های خود دست پیدا کند. تنها با پیوند ارگانیک گردان های اجتماعی است که می توان بر امکانات وسیع ارتجاع غلبه کرد و خواست جنبش را بر تاریک اندیشان حاکم تحمیل کرد. جنبش دانشجویی کشور نشان داده است که از بلوغ سیاسی برخوردار است. ندهای اتحاد طلبی جنبش دانشجویی و تأکید بر این امر مهم که باید جایگزین رژیم را خارج از چارچوب های تحمیلی «خودی» و «غیر خودی» پایه گذاری کرد، در کنار تلاش های آگاهانه برای پیوند زدن جنبش دانشجویی با سایر نیروهای اجتماعی از جمله گام های اولیه و مهمی است که باید با هوشیاری و بردباری و با گسترش و تحکیم آن زمینه را برای حرکت های بعدی آماده کرد. نکته مهم دیگر این است که تهاجم وسیع ارتجاع برای درهم شکستن سازمان های صنفی دانشجویی و راه انداختن تشکل های زرد به منظور ایجاد چند دستگی و همچنین زمینه سازی برای خنثی کردن این سازمان ها نشانگر اهمیت و در عین حال نگرانی شدید ارتجاع از هرگونه سازمان دهی مستقل جنبش دانشجویی کشور است. تلاش در راه ایجاد و گسترش سازمان های مستقل دانشجویی، در همه مراکز دانشگاهی و آموزش عالی کشور، بخشی از وظایف درنگ ناپذیر فعالان و کادرهای جنبش دانشجویی کشور است. جنبش دانشجویی مصمم و وسیعاً سازمان یافته از توان بیشتری برای مقابله با ارتجاع و تأثیر گذاری بر حوادث سیاسی و اجتماعی کشور برخوردار خواهد بود.

حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که جنبش سازمان یافته نیروهای اجتماعی واحزاب، سازمان ها و گروه های آزادی خواه و ملی می تواند با وحدت عمل بر دشواری ها غلبه کند و جامعه را از بحران و بن بست کنونی نجات دهد.

حزب توده ایران ضمن گرامی داشت خاطره ۱۸ تیر ماه، و گرامی داشت همه شهیدان جنبش دانشجویی، خواهان آزادی همه دانشجویان اسیر، لغو همه احکام جابرانه دستگاه قضائی ارتجاع بر ضد دانشجویان مبارز و همبستگی سایر نیروهای اجتماعی، خصوصاً کارگران، زحمتکشان و جنبش زنان با پیکار جنبش دانشجویی کشور است.

درود آتشین به همه شهیدان جنبش دانشجویی و همه به خون خفتگان جنبش آزادی خواهانه میهن ما!

آزادی برای همه دانشجویان اسیر و همه زندانیان سیاسی کشور!

پیش به سوی برقراری همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان با مبارزه جنبش دانشجویی!

**کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ تیرماه ۱۳۸۳**

ادامه درس هایی از اخلاق و کشور داری ...

گستاخانه هدفان را برای تحمیل آنچه انتقال سیاسی در کوبا، در پی مرگ من، نامیده اید، اعلان کردید؛ انتقالی که البته شما بی تأمل اقرار کردید که در تسریع آن تا آن جا که بتوانید خواهید کوشید.

اما شاید شرم آورترین کاری که شما کردید اعلام این بود که نخستین ساعتها تعیین کننده خواهد بود، چرا که ایده این است که تا جایی که می شود، تحت هر شرایطی، با نادیده گرفتن همه قوانین موجود کشور، پیش رفت، تا از کنترل کشور توسط یک رهبری جدید سیاسی و دولتی جلوگیری شود. از آنجا که این امر فقط از راه گسیل نیروهای نظامی برای اشغال موقعیتهای کلیدی در کشور امکان پذیر است، در واقع شما دارید قصد خود را برای دخالت نظامی در میهن ما اعلام می کنید. به همین دلیل بود که در روز ۱۴ ماه می، من شما را به خاطر نقش سزازی که بازی می کنید، پیشاپیش سلام دادم، همانطور که گلا دیاتورها در روم باستان می کردند. امروز، فکر می کنم حق است که چند مطلب دیگر هم اضافه کنم. بدانید که شاخ و شانه کشیدن شما علیه کوبا به هیچ وجه امر آسانی نخواهد بود. مردم ما در برابر اقدامات اقتصادی شما، هر چه که باشند، ایستادگی خواهند کرد. چهل و پنج سال مبارزه قهرمانانه در برابر تحریم و جنگ اقتصادی، تهدیدها، تجاوزها، توطئه های ترور رهبران، خرابکاری و ترور، انقلاب ما را نه تنها تضعیف نکرده بلکه قویتر هم کرده است. چهل و سه سال پیش تهاجم خائنانه خلیج خوکها، برخلاف پیش بینی کارشناسان برجسته، در مدتی کمتر از ۶۶ ساعت با مبارزه بی خستگی ناپذیر در هم کوبیده شد... در اکتبر ۱۹۶۲، یک سال و نیم پس از واقعه خلیج خوکها، رزمندگان کوبایی از فکر تهدید واقعی بمباران هسته ای چشم بر هم نزدند. چندین سال جنگ کثیف، خرابکاری و تروریسم، که طی آن بسیاری از دوستان فعلی شما در میامی نقشی برجسته بازی کردند، نتوانست کوبا را به زانو در آورد. فروپاشی بلوک سوسیالیستی اروپا و اتحاد شوروی، که ما را از وجود بازار فروش، سوخت، مواد غذایی و مواد خام محروم کرد، به علاوه تحریمی که با قانون توپیچلی و هلمز - برتون شدیدتر شد، و نیز اقدامات مشابه دیگر، مردم کوبا را در هم نشکست؛ آنچه ناممکن می نمود ممکن شد و ما پایداریه ایستادگی کردیم! این آن چیزی است که اکنون در خون و سنت کوباییهای میهن پرست است: روح رزمندگی در برابر ناممکن و پیروز شدن. منظور من از بیان این خاطره ها، آقای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، اذیت یا عصبانی کردن شما نیست. خیلی ساده میل دارم به شما نشان دهم که کوبا چگونه جایی است، یک فرایند انقلابی ژرف و اصیل به چه معنایی است، و مردمی که شما از بالا به آنها نگاه می کنید واقعاً چگونه مردمی اند. امروزه کوبا با فرهنگ ترین و از لحاظ سیاسی آگاه ترین مردم را در بین همه کشورهای جهان دارد. مردم ما اُمَل و متعصب نیستند، مردم ما مدافع عقاید و آرا هستند. کوبا کشور مردم بی سواد و کم سواد نیست؛ کشوری است که در آن آموزش عالی در دسترس همه قرار دارد و شهادت و میهن دوستی خصلتی همگانی است. در اینجا تجربه و دانش دست در دست با رویاهای برقراری جامعه بی می شود که در آن عدالت و انسان دوستی حاکم است، چیزی که درک آن برای شما با آن عقاید بنیادگرایانه تان بسیار مشکل است. امروزه ما نه تنها میلیونها زن و مرد آماده جانبازی هستیم، بلکه سلاحهای لازم و کافی و متخصصانی داریم که به کار خود و نیز به نقاط قوت و ضعف آنها می که ما را تهدید می کنند، به رغم منابع نظامی گسترده شان و برتری تکنولوژیکی سلاحهایشان، به خوبی آشنا هستند. در شرایط کنونی در کوبا، و در صورت وقوع حمله به کشور ما، اگر من در میان نباشم، چه بر اثر علت های طبیعی و چه غیر از آن، این امر به هیچ وجه تأثیر ناگواری بر رزم و پایداری ما نخواهد گذارد. هر سرکرده نظامی و سیاسی در هر رده بی، و هر سربازی، بالقوه خودش یک فرمانده کل قواست که می داند چه باید بکند... شما حتی یک روز، یک

ساعت، یک دقیقه یا یک ثانیه هم فرصت نخواهید داشت که از به دست گرفتن فوری کنترل توسط رهبری سیاسی و نظامی کشور جلوگیری کنید، چرا که دستور برای آنچه باید بشود قبلاً داده شده است. هر مرد و زنی بدون تلف کردن حتی یک ثانیه در پایگاه رزمی اش حاضر خواهد بود.

در روز ۱۴ ماه مه، در برابر یک میلیون کوبایی که از مقابل دفتر حافظ منافع شما راهپیمایی می کردند، من به روشنی به شما گفتم که من چه بایست می کردم و چه خواهم کرد. این شغل من است. امروز، دوباره آن را تکرار و تأکید می کنم و توصیه می کنم که شما و مشاورانتان در فکر هیچ نقشه تبهکارانه بی برای انتقام گرفتن از مردم ما نباشید. دست به ماجراجوییهای دیوانه واری مثل حمله های در هم شکننده برق آسا یا جنگهای فرسایشی با استفاده از تکنیکهای پیچیده نزنید، چرا که کنترل از دستتان در خواهد آمد. چیزهای ناخواسته بی ممکن است اتفاق بیفتد که نه برای مردم کوبا و نه برای مردم آمریکا فایده ای ندارد. شما توافقنامه مهاجرت را می توانید در هم بشکنید و یک مهاجرت و بی خانمانی دسته جمعی به راه بیندازید، و ما در موقعیتی نخواهیم بود که قادر به جلوگیری از آن باشیم؛ و می توانید جنگی تمام عیار بین سربازان جوان آمریکایی و مردم کوبا به راه بیندازید، که بسیار اندوهناک خواهد بود. با همه اینها، به شما اطمینان می دهم که شما هرگز برنده آن جنگ نخواهید بود. شما در اینجا مردم دچار تفرقه، گروههای قومی در حال نزاع، اختلافهای مذهبی ژرف، یا فرمانده های خائن نخواهید یافت. در اینجا مردمی خواهید یافت که بر اساس فرهنگ، احساسات همبستگی و دستاوردهای انسانی و اجتماعی در اتحادی قوی و یکپارچه قرار دارند که در تاریخ بی سابقه است. شما در اقدام نظامی علیه کوبا افتخار و شکوهی به دست نخواهید آورد. مردم ما هرگز نه استقلال و نه آرمانهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان را رها نخواهند کرد.

پس از حمله دردناک و غیرقابل توجیه به برجهای دوقلو [۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱]، کوبا همبستگی کامل با مردم آمریکا نشان داد. در همان روز ما نظرم را بیان کردیم که امروز تقریباً دقتی ریاضی تأیید می شود. جنگ راه پایان دادن به تروریسم و خشونت در جهان نیست. آن واقعه دردناک به عنوان زمینه بی برای تحمیل یک سیاست زور و وحشت به کره خاکی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. اقدامات شما علیه مردم کوبا بیرحمانه و غیر انسانی اند. کوبا می تواند ثابت کند که شما می خواهید کشوری را نابود کنید که خدمات پزشکی آن زندگی صدها هزار انسان را در کشورهای فقیر جهان نجات داده و می دهد... شما مطمئناً می دانید که در آمریکا ۴۴ میلیون نفر فاقد بیمه بهداشتی و درمانی اند، و این که در هر آن در یک مدت دو ساله، در مجموع ۸۲ آمریکایی فاقد هر گونه بیمه اند و نمی توانند از عهده هزینه های نجومی خدمات اساسی مراقبتهای پزشکی در کشور شما برآیند. یک تخمین خیلی محافظه کارانه نشان می دهد که به همین علت، در هر سال دهها هزار نفر جانشان را در آمریکا از دست می دهند، که شاید در حدود سی تا چهل برابر تعداد قربانیان برجهای دوقلو باشد.

در یک دوره کوتاه پنج ساله، کوبا حاضر است جان ۳۰۰۰ آمریکایی فقیر را نجات دهد. این سه هزار آمریکایی می توانند همراه با یک خویشاوند به کشور ما بیایند و از درمان پزشکی مطلقاً رایگان بهره مند شوند آقای بوش، می خواهم از شما سئوالی در مورد اصول و اخلاق ببرسم. آیا شما حاضرید به این اشخاص اجازه بدهید که تحت پوشش یک برنامه برای نجات جان یک نفر در ازای هر نفر که در آن حمله دهشتناک به برجهای دوقلو جاناش را از داده است، به کوبا بیایند؟ اگر آنها این پیشنهاد خدمت را پذیرفتند و تصمیم گرفتند که به کوبا بیایند، آیا مجازات خواهند شد؟ به دنیا نشان دهید که گزینه دیگری هم در برابر تکبر و خودبینی، جنگ، قتل عام، نفرت، خودبزرگ بینی، سالوس و ریا و دروغ وجود دارد!

از طرف مردم کوبا،

فیدل کاسترو روز

۲۱ ژوئن ۲۰۰۴ (۱ تیر ۱۳۸۳)

درس هایی از اخلاق و کشورداری پیام دوم فیدل کاسترو به بوش

هموطنان کوبایی عزیز،

در پی دو رسوایی تازه دولت آمریکا، اول نام بردن از کوبا در یکی دیگر از آن فهرست های کذایی تهیه شده توسط اربابان جهان از خود متشکر در گزارشی که وزارت کشور آمریکا در روز ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد ۸۳) منتشر کرد و در آن کوبا را متهم به دست داشتن در قاچاق انسان کرده و افترای مستهجن رواج فحشا را نیز به آن اضافه کرده، و دوم، اعلام اجرای تحریم های خشن بیشتر در روز ۱۶ ژوئن (۲۷ خرداد) به منظور خفه کردن اقتصادی که تنها تأمین کننده زندگی مردم کشور ماست، مرا بر آن می دارد که پیام دومی برای رئیس جمهور آمریکا بفرستم [پیام اول در ۱۴ ماه مه - ۲۵ اردیبهشت - داده شده بود].

آقای بوش، مجبورم آرام و خونسرد ولی صادق باشم. من به هیچ وجه قصد توهین یا حمله به شخص شما را ندارم. ولی نام بردن از کوبا در فهرست کشوری که در قاچاق انسان دست دارند خودخواهانه و ناصداقانه است. و از این هم ظالمانه تر و نفرت انگیزتر آن گزارشی است که وزارت کشور آمریکا هر سال خود را موظف به انتشار آن می داند، این ادعا است که کوبا مروج و مبلغ فروش سکس، حتی توسط کودکان، به جهانگردان است.

شما در مقامی هستید که از امضای دو توافقنامه در زمینه مهاجرت بین کوبا و ایالات متحد آمریکا، در حمایت از به هم رساندن خانواده ها، مطلع هستید. دولت آمریکا از اجرای نخستین توافقنامه که در سال ۱۹۸۴ به امضا رسید سرباز زد. ده سال بعد، به جای صدور ۲۰۰۰۰ روادیدی که قول داده شده بود، فقط در حدود ۱۰۰۰ روادید، یعنی فقط ۵ درصد از آن تعداد در هر سال صادر شد. در پی وقوع بحران مهاجرت در سال ۱۹۹۴، کشور ما توافقنامه جدیدی را با دولت آمریکا امضا کرد که هنوز هم معتبر است. با وجود این، اگرچه برخی از مفاد آن توافقنامه در ارتباط با تعداد روادید رعایت شده است، ولی مفاد دیگر آن در ارتباط با التزام اصولی و غیرقابل انکار برای اجتناب از تشویق به مهاجرت غیر قانونی زیر پا گذاشته شده است.

بدون هیچگونه توجیهی، قانون تعدیل کوبایی کماکان و به طور کینه توزانه بی اجرا می شود و حتی موجبات تازه ای به آن اضافه شده است. در نتیجه اجرای همین قانون بود که قاچاق نفرت انگیز مهاجران با استفاده از قایقهای سریعی که از فلوریدا به سواحل ما می آمدند، آغاز شد و رشد کرد. کوبا به شدت با این اعمال مقابله می کند در حالی که مقامهای دولتهای آمریکا، به دلایل روشن سیاسی مرتبط با ایالت فلوریدا، فقط نظاره گر این وقایع هستند.

هیچ کشور در دنیا به اندازه کوبا حافظ جسم و روح کودکان، و تأمین کننده آموزش و بهداشت برای کودکان نیست. شما باید خوب بدانید که میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال در آمریکا بیشتر از کوبا است. در کوبا صد در صد کودکان و بزرگسالان، از جمله آنانی که به نوعی ناتوانی جسمی یا روانی دچارند، به مدرسه می روند و دانش می آموزند. شما چطور می توانید ادعا کنید که نمی دانید که در آمریکا به طور میانگین ۳۰ دانش آموز در یک کلاس درس می نشینند در حالی که این نسبت در کوبا کمتر از ۲۰ است، و دستاوردهای آموزشی ما بهتر از هر کشور پیشرفته بی است؟ خدمات بهداشتی ما از سال ۱۹۵۹ تا کنون، میانگین طول عمر را از ۶۰ سال به ۷۶.۱۳ سال افزایش داده است.

به رغم تحریمهای آمریکا و فروپاشی بلوک سوسیالیستی، نرخ بیکاری در کوبا فقط ۲.۳ درصد است، که چندین برابر کمتر از رقم مشابه در کشور شماست، که ثروتمندترین و صنعتی ترین کشور جهان است. شما باید از این شرمنده باشید که برای خفه کردن اقتصادی مردم کوبا تلاش می کنید، مردمی که به رغم بیشتر از چهار دهه تحریم و جنگ اقتصادی، تجاوزهایی نظامی و عملیات تروریستی، آن چنان دستاوردهای بزرگی داشته اند. شما هرگز نمی توانید چیزی شبیه به این را در کشورتان به ما نشان دهید. شما در تلاش برای به هم ریختن اقتصاد ما هستید و کشوری را تهدید به جنگ می کنید که قابلیت خودش را در داشتن ۲۰۰۰۰ پزشک نشان داده است که هم اکنون به ارائه خدمات پزشکی در ۶۴ کشور جهان مشغولند. دولت شما، به رغم داشتن امکانات ثروتمندترین قدرت روی زمین، حتی یک پزشک هم به دورافتاده ترین گوشه های این دنیا نفرستاده است.

فاجعه مرگ بیش از ده میلیون کودک و دهها میلیون مردم دیگر در جهان سوم در نتیجه تحمیل یک نظم اقتصادی جهانی غیرقابل تحمل توسط کشورهای ثروتمند به ضرر ۸۰ درصد جمعیت کره زمین است. به جای دروغپردازی و دسیسه چینی، می بایست این مصائب و حقایق را به اطلاع شما برسانند.

دیگر، موضوع فراریان کوبایی پس از انقلاب کوبا، که بیشترشان طرفداران باتیستا (دیکتاتور کوبا) و مجرمان جنگی اند، و نیز نقش آنها در انتخابات ریاست جمهوری گذشته که در آن شما با اختلاف فقط ۵۱۸ رأی برنده شدید. مردم آمریکا از دخالتهای شرم آور این گروهها در سیاستهای داخلی و خارجی کشوری با این اهمیت خسته شده اند. انکای شما بر این گروه ها منتهی به از دست دادن آرا نه تنها در فلوریدا بلکه در سراسر کشور خواهد شد.

وقتی شما سفر آمریکاییان به کوبا را قذغن می کنید، از یک اصل قانون اساسی تخطی می کنید و حقی را از مردم آمریکا ضایع می کنید که شهروندان کشور شما همیشه به آن افتخار کرده اند. از آن گذشته، این کار شما نشان دهنده یک ترس سیاسی است. در حالی که کوبا، بی هیچ تأمل و ترسی و تقریباً بدون استثنا، با تسهیل تجدید و تمدید گذرنامه هر دو سال یک بار، درهائش را به روی انبوه مهاجران گشود تا آنها بتوانند از میهن خاستگاهشان بازدید کنند، و اخیراً هم به آنها اجازه داد که هر چند بار که می خواهند به کوبا سفر کنند، شما به اقدامات غیر انسانی و بیشرمانه بی علیه خانواده های کوبایی دست زدید که توهین و تجاوز به رسوم و فرهنگ نیاکان آنها بود. منع کوبایی های ساکن آمریکا، شهروند آمریکا نه، از بازدید نزدیکترین خویشاوندانشان به مدت حداقل سه سال، حتی اگر این خویشان در شرف مرگ باشند، ظلم وصف ناپذیری است. بسیاری از آمریکاییان کوبایی تبار از هم اکنون در فکر رأی تنبیهی به شما هستند. بدترین چیز درباره سیاست ضد کوبایی مسخره و بی در و پیکر شما این است که شما و نزدیکترین مشاورانتان بی پروا و

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 690
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6 July 2004

**شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما**
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse